

بررسی حمله به سکوهای نفتی ایران از دیدگاه حقوق دریاها

نویسنده: ابرهیم ملاکه

ناشر: پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی، حق گستر

چکیده:

بدون شک قضیه حمله به سکوهای نفتی ایران در سالهای ۱۹۸۷ و ۸۸ جزو مهم ترین قضایای بررسی شده در دیوان بین المللی دادگستری می باشد، که از جنبه زمان رسیدگی ونحوه رسیدگی منحصر به فرد می باشد. اما متأسفانه از دیدگاه حقوق دریاها بدان کمترین توجه شده است، که از دلایل عمده این مسئله می توان به موارد زیر اشاره کرد: یک؛ عدم عضویت دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در عهدنامه ۱۹۸۲ دریاها و دو؛ تاکید فراوان کشور ایران بر عهدنامه مودت فیما بین دو دولت در سال ۱۹۵۵ می باشد.

در این زمینه به بررسی عهدنامه ۱۹۸۲ دریا، عهدنامه چهارگانه ژنو در زمینه جنگ دریایی، موادی از عهدنامه مودت بین ایران و آمریکا ۱۹۵۵ پرداخته شده است.

باتوجه به نقض برخی از این معاهدات از جانب دولت آمریکا می توان برای این دولت مسئولیت بین المللی در قبال تخلفات روی داده را متصور شد.

کلمات کلیدی: حقوق دریاها، جنگ دریایی، فلات قاره، عهدنامه ۱۹۸۲، منطقه انحصاری اقتصادی

مقدمه:

شرح حادثه:

در پی تصویب قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد در تابستان ۱۹۸۷، که هدف اصلی آن جلوگیری از شکست عراق در جنگ بود، بانیان اصلی این قطع نامه، به ویژه امریکا برای قبول بی قید و شرط آن از طرف ایران فشارهای سیاسی و بین المللی خود را بر این کشور افزایش دادند. هم چنین، دولت امریکا برای این که بتواند جمهوری اسلامی ایران را به قبول بی قید و شرط مفاد قطع نامه مزبور وادار کند، ضمن تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی خود، اقدامات و حملات نظامی متعددی را نیز علیه آن تدارک دید. حمله به سکوهای نفتی کشورمان در خلیج فارس در سال های ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) و ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) از جمله حملات و اقدامات نظامی ای بود که دولت واشنگتن برای اجرای سیاست ها و استراتژی های جدید خود با هدف تضعیف ایران بدانها متوسل شد. از جمله پرسش هایی که در پی حملات نظامی امریکا به سکوهای مزبور مطرح می شود، مشروعیت این حملات از دیدگاه موازین حقوق بین المللی دریاست؟ پرسش دیگری را نیز می توان مطرح کرد مبنی بر این که آیا ایالات متحده امریکا از نظر مقررات بین المللی دریا از چنین حقی برخوردار است که مراکز غیر نظامی دولتی را که رسماً نیز طرف جنگی آن محسوب نمی شود، هدف حملات نظامی خود قرار دهد؟

حمله به سکوهای نفتی:

حملات نظامی امریکا به سکوهای نفتی ایران طی دو مرحله انجام گرفت. نخستین مرحله در ۲۷ مهرماه سال ۱۳۶۶ رخ داد که طی آن، سکوهای نفتی رشادت هدف حمله واقع شدند. مرحله دوم هم چند ماه بعد، یعنی در ۲۸ فروردین ماه سال ۱۳۶۷، با حمله ناوهای امریکا به سکوهای نفتی نصر و سلمان اتفاق افتاد.

(۱) حمله به سکوهاى نفتى رشادت

«در جریان جنگ، پیش از آن که امریکا به این سکوها حمله کند، دولت عراق آنها را در دو نوبت در خرداد و مرداد ماه سال ۱۳۶۶) هدف حمله قرار داده بود، اما با توجه به اهمیت حیاتی این سکوها در صدور نفت، طبق نظر مقامات ایرانی، به سرعت تعمیر و بازسازی شدند، به طوری که پیش از حمله امریکا آماده بهره برداری شده بودند.»^۱ «حمله به این سکوها سه روز پس از حمله به نفتکش کویتی تحت پرچم امریکا به نام سی ایل سیتی، صورت گرفت که در ۲۴ مهرماه سال ۱۳۶۶، در محدوده دریای سرزمینی کویت در پنج مایلی پایانه شعبیه هدف یک فروند موشک قرار گرفته بود و امریکا با ادعای این که موشک مزبور از نوع موشک کرم ابریشم بوده، که از سوی نیروهای ایرانی مستقر در جزیره فاو شلیک شده است، ایران را به انجام این حمله متهم کرد، اما ایران با تکذیب این اتهام اظهار کرد که انجام این حمله برای ایران با توجه به امکانات نظامی اش ناممکن بوده است.»^۲

امریکا این استدلال و توجیه ایران را نپذیرفت و سه روز بعد، سکوهاى نفتى رشادت را با چهار رزمناو و حمایت ناوشکن تاج، رزمناو موشک انداز استندلی و دو هواپیمای F-۱۶ و یک هواپیمای آواکس هدف حمله قرار داد. یک منبع شرکت ملی نفت ایران جزئیات این حمله را چنین گزارش کرده است: «حدود ساعت ۱۱ روز دوشنبه چهار فروند ناو جنگی امریکا در پانزده مایلی سکوی نفتی سلمان مشاهده شدند. این ناوها حدود ساعت ۱۴ به حوالی حوزه نفتی رشادت رسیده و به کارکنان سکو که در حال بازسازی سکوی نفتی بی دفاع R-۷ بودند، ده دقیقه مهلت دادند تا سکوی مزبور را تخلیه کنند. کارکنان از روی سکو به داخل کشتی تعمیراتی موسوم به عیسی رفتند و پس از هشدار مجدد ناوهای امریکا تا فاصله ده مایلی دور شدند. به دنبال این واقعه، در ساعت ۱۴:۳۰ همان روز، سکوی نفتی و بی دفاع R-۷ هدف حمله قرار گرفت. ناوهای

^۱ اردشیر امیر ارجمند؛ رای صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری در قضیه حمله نیروهای امریکایی به سکوهاى نفتی ایران در خلیج فارس مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۰-۱۹، ص ۶۳۴

^۲ همان؛ ص ۶۳۵

امریکا بلافاصله به سوی سکوی نفتی و بی دفاع ۴ R- رشادت حرکت کردند و در این محل نیز، از کارکنان خواستند ظرف بیست دقیقه سکو را تخلیه کنند. سپس، سکو را هدف حمله قرار دادند. امریکاییان پس از حمله به سکوی نفتی رشادت در اطراف سکوی سلمان مانورهایی را انجام داده و سپس منطقه را ترک کردند»^۳ بلافاصله پس از حمله، ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا، با صدور بیانیه ای در ۱۹ اکتبر ضمن تأیید حملات ناوهای امریکایی به سکوهای نفتی ایران، این حملات را در قالب دفاع مشروع، قانونی و موجه ارزیابی کرد. در بخش_____ی از ا_____بیانیه_____آم_____ده _____ود:

« کشتی های نیروی دریایی ایالات متحده، به نیابت از اقتدار من به عنوان فرمانده کل قوا، در ساعت ۷ صبح به وقت شرق امریکا، سکوی نظامی (سکوی نفتی رشادت) در آب های بین المللی بخش مرکزی خلیج فارس را هدف حمله قرار دادند. این سکو در تسهیل حملات مکرر ایران علیه کشتیرانی غیرمتخاصم، مورد استفاده بوده است. حملات تحریک آمیز ایران به کشتیرانی ایالات متحده و غیر متخاصم، به ویژه مین گذاری عمدی و پرتاب موشک های کرم ابریشم، که به کشتی های تحت پرچم امریکا صدمه زده، علی رغم پیام های متعدد حکومت امریکا به حکومت ایران مبنی بر هشدار درباره پیامدهای آن صورت گرفته است. اقدام علیه سکوی نظامی ایران، بعد از مشورت با رهبران کنگره و حکومت های دوست انجام شده است. این عملیات قاطعانه، اما محدود، در پاسخ به توسل به زور غیرقانونی ایران علیه ایالات متحده و نقض مکرر حقوق دیگر متخاصمان است و حرکتی قانونی در اعمال حق دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور ملل متحد به شمار می رود و به اطلاع رئیس شورای امنی_____ت م_____ل_____مت_____حد نی_____ز رس_____یده اس_____ت...»^۴

«جمهوری اسلامی ایران طی واکنشی حملات امریکا به سکوی نفتی خود را تجاوز نظامی و توسل غیر مشروع به

^۳ خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ <گزارش های ویژه> نشریه شماره ۲۱۶، ۶۶/۷/۳۰، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۶/۷/۲۹، به نقل از محمد درودیان. سیری در جنگ ایران و عراق - ۴ شلمچه تا حلبچه، تهران؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷ ص ۱۴۵

^۴ آندره گاتری و ناتالینو رونیوینی؛ جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰، ۱۹۸۸) و حقوق جنگ دریایی؛ ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری، سعید تائب و احمد سالاری؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۴، صص ۲۴۲، ۲۴۳

زور بر ضد حاکمیت و تمامیت ارضی خود قلمداد کرد و مراتب امور را در نامه مورخ ۲۸ مهرماه سال ۱۳۶۶ خود، به اطلاع شورای امنیت سازمان ملل رساند.^۵

۲) حمله به سکوهای نفتی نصر و سلمان

«سکو و تأسیسات نفتی سلمان، که از جمله مهم ترین سکوهای نفتی ایران در خلیج فارس بود و روزانه، حدود ۲۲۰ هزار بشکه نفت از آن بهره برداری می شد، در مهر ماه سال ۱۳۵۶، هدف حملات هواپیماهای رژیم عراق قرار گرفت که البته، به سرعت تعمیر و بازسازی شد و مجدداً مورد بهره برداری قرار گرفت، اما سکوی نفتی نصر که قابلیت تولید روزانه صد هزار بشکه نفت را داشت، هیچ گاه، در جریان جنگ، هدف حمله دشمن واقع نشد و تا زمان حمله ناوهای امریکایی در فروردین ماه سال ۱۳۶۷ هم چنان، به فعالیت خود ادامه داد. البته، باید یادآور شد که پیش از حمله ناوهای امریکا، حدود پنجاه نفر (بیست نفر نیروی نظامی و سی نفر کارمند غیر نظامی وزارت نفت) روی این سکوها به فعالیت مشغول بودند و بر روی هر یک از آنها، تنها یک قبضه مسلسل ۲۳ میلی متری نصب شده بود که صرفاً کارکرد دفاعی داشت.»^۶

حمله ناوهای امریکایی به سکوهای نفتی نصر و سلمان در پی برخورد کشتی جنگی امریکایی موسوم به ساموئل رابرتز با مین های رها شده در شصت مایلی شرق جزیره بحرین در ۲۵ فروردین ماه صورت گرفت. به دنبال این حادثه، مقامات امریکایی ایران را به مین گذاری در آن منطقه متهم کردند، اما مقامات ایران این اتهام را رد و اظهار کردند منطقه ای که کشتی جنگی امریکا در آن با مین برخورد کرده، تحت مراقبت و کنترل دائمی نیروهای امریکایی، بحرینی، قطری و عربستانی بوده؛ بنابراین، امکان مین گذاری نیروهای ایرانی در آن جا وجود نداشته است، اما امریکا این استدلال را نپذیرفت و پس از چهار روز، یعنی در ۲۹ فروردین ماه، بار دیگر تأسیسات نصر و سلمان را هدف حمله قرار داد و آنها را به کلی تخریب کرد. در این حمله، افزون بر انهدام

^۵امیر ارجمند، پیشین، ص ۶۳۶
^۶همان؛ ص ۶۳۷

سکوها، دو رزمناو سهند و جوشن ایران غرق شدند و به یک شناور و هواپیمای F ۱۴ - خساراتی وارد آمد. هم چنین، تعداد زیادی از افراد نیروی دریایی و افراد غیرنظامی شهید یا مجروح شدند.

امریکاییان این بار نیز، همانند حمله پیش، حملات نظامی خود را به سکوی نصر و سلمان در قالب دفاع مشروع و ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد توجیه کردند. در بیانیه ای که دستیار رئیس جمهور امریکا در روابط مطبوعاتی در همان روز حمله صادر کرد، چنین آمده بود:

«رئیس جمهور به موجب اختیارات خود به عنوان فرمانده کل قوا، در ساعت ۱ بامداد امروز به وقت شرق امریکا، به نیروهای ایالات متحده دستور حمله به هدف های نظامی ایران در بخش جنوبی خلیج فارس را داد. نیروهای ما سکوهای نفتی در سیری و ساسان در جنوب خلیج [فارس] را مورد حمله قرار دادند. این سکوها به عنوان ایستگاه های راداری فرماندهی و کنترل برای نیروهای نظامی ایران مورد استفاده بودند. حملات در این لحظه در جریان است. این عملیات در پاسخ به تجدید فعالیت های مین گذاری ایران در آب های بین المللی و حمله آن از طریق مین به ناو ساموئل رابرتز، صورت گرفته است. در مورد پیامدهای چنین اقدامات خصمانه ای بارها به حکومت ایران هشدار داده شده بود. اقدامات ما به دنبال مشورت با رهبران کنگره و بعد از اطلاع به حکومت های دوست صورت گرفته و برای ممانعت از مین گذاری های بعدی ایران نیز طراحی شده است. اقدامات مزبور، پاسخ سنجیده به توسل به زور غیرقانونی ایران علیه ایالات متحده و نقض مکرر حقوق دیگر غیر متخاصمین است و به موجب اعمال قانونی حق ذاتی دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور ملل متحد، صورت پذیرفته و به نحو مقتضی به اطلاع رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد خواهد رسید...»^۷

متن کامل رای دادگاه بین المللی لاهه درباره اختلاف ایران و آمریکا:

^۷گاتری و رونزیتی، پیشین، ص ۲۴۴، ۲۴۵

دادگاه لاهه بعدازظهر روز پنج شنبه ۱۳۸۲/۸/۱۵ با صدور حکمی به این نتیجه رسید که اقدام آمریکا در انفجار سکوهای نفتی ایران توجیه ناپذیر بوده است. متن کامل بیانیه مطبوعاتی دیوان بین المللی دادگستری که از سوی بخش مطبوعاتی سفارت جمهوری اسلامی ایران در لاهه برای این خبرگزاری ارسال شده به شرح زیر است :

لايه - ۶ نوامبر ۲۰۰۳ : امروز دادگاه بين المللی دادگستری ، ارگان قضایی سازمان ملل حکم خود را در قضيه مربوط به سکوهای نفتی "ایران و آمریکا" صادر کرد

در ابتدا با مجموع رای ۱۴ به ۲ این دادگاه به این نتیجه رسید که "اقدام آمریکا بر علیه سکوهای نفتی در روز ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷ و ۱۸ آوریل ۱۹۸۸ به عنوان اقدامی ضروری برای حمایت از منافع اساسی امنیتی ایالات متحده آمریکا (که بر طبق اصل XX پاراگراف ۱(d) عهدنامه روابط حسنه (روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بين ایالات متحده آمریکا و ایران) استفاده از زور را در این مورد مجاز می شمرد)، نیست اما دادگاه ادعای جمهوری اسلامی ایران را مبنی بر اینکه طبق اصل X پاراگراف ۱ همان عهدنامه در رابطه با آزادی تجارت در محدوده دو طرف این اعمال نقض قوانین از جانب ایالات متحده می باشد را نپذیرفت و بنابراین ادعای ایران برای دریافت غرامت نیز رد شد . "

همچنین دادگاه با مجموع رای ۱۵ به ۱ به این نتیجه رسید که ادعای آمریکا در رابطه با نقض قوانین از جانب جمهوری اسلامی ایران بر طبق اصل X پاراگراف ۱ معاهده ۱۹۵۵ در رابطه با آزادی تجارت و دریانوردی بین محدوده های دو طرف قابل قبول نیست و بنابراین ادعای آمریکا برای دریافت غرامت نیز پذیرفته نمی شود."

روند دادگاه:

در این جلسه دادگاه پس از بررسی تاریخ و سوابق مسئله اظهار داشت که هدف دادگاه بنا به درخواست دو طرف تعیین این موضوع است که آیا تخلفی در عهدنامه روابط حسنه (روابط اقتصادی و حقوق کنسولی) که در سال ۱۹۵۵ بین دو کشور ایران و آمریکا منعقد شد صورت گرفته است یا نه ؟

ایران مدعی بود که در حمله ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷ و ۱۸ آوریل ۱۹۸۸ که سه اسکله دریایی تولید نفت که برای اهداف تجاری توسط شرکت نفت ملی ایران ساخته و راه اندازی شده بود منهدم شد و ایالات متحده آزادی بازرگانی بین دو طرف را که در عهدنامه تضمین شده بود نقض کرد . و این کشور برای خسارتهای وارده خواهان غرامت بود . از سوی دیگر ایالات متحده ادعا کرد که ایران عهدنامه ۱۹۵۵ را با حمله به تعدادی کشتی در خلیج

فارس طی عملیات نظامی زیر پا گذاشت که این موضوع یک مسئله خطرناک و مضر برای تجارت و دریانوردی بین دو کشور آمریکا و ایران بود. ایالات متحده نیز برای خسارتهای خود درخواست غرامت کرد.

این دادگاه این موضوع را که آیا عمل نیروهای دریایی آمریکا بر علیه اسکله های نفتی ایران مطابق عهدنامه ۱۹۵۵ به عنوان اقدامی ضروری برای حمایت از منافع اساسی امنیتی ایالات متحده (طبق اصل XX پاراگراف ۱(d) این عهدنامه) قابل تبرئه است یا نه مورد بررسی قرار داد. دادگاه بیان داشت که شرایط عهدنامه باید مطابق با قوانین بین المللی تفسیر شود. متعاقبا دادگاه نتیجه می گیرد که ایالات متحده تنها در صورتی حق استفاده از زور را داشت که در موقعیت دفاع از خود قرار گرفته باشد. به علاوه دادگاه بیان می کند که ایالات متحده تنها در صورتی می توانست این حق را اعمال کند که توسط ایران مورد حمله مسلحانه قرار گرفته باشد و ثابت کند که این عمل ایالات متحده ضروری و به فراخور عملیات مسلحانه انجام شده علیه آن می باشد. پس از بررسی مفصل مدارک تهیه شده توسط دو طرف، دادگاه به این نتیجه رسید که ایالات متحده نتوانست ثابت کند که این شرایط ایجاد شده برای این پرونده کافی بوده است و بنابراین دادگاه نتیجه گرفت که ایالات متحده حائز شرایط اصل XX پاراگراف ۱(d) این عهدنامه نمی باشد. سپس دادگاه این مسئله را که آیا ایالات متحده در انهدام سکوها، مانع از انجام فعالیت طبیعی آنها شده است و حق تجارت آزاد ایران را که طبق اصل X پاراگراف ۱ معاهده ۱۹۵۵ برای کشور تضمین شده است زیر پا گذارده است یا نه، بررسی می کند. دادگاه به این نتیجه می رسد که در رابطه با حمله ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷، سکوهای رشادت و رسالت در حال تعمیر بوده اند و در آن زمان در حال فعالیت نبودند؛ بنابراین هیچ گونه مبادله نفت خامی از آن سکوها بین ایران و ایالات متحده انجام نگرفته است. در نتیجه طبق نظر دادگاه حمله به این سکوها نمی تواند به عنوان نقض آزادی تجارت بین محدوده دو طرف به حساب آید. دادگاه در رابطه با حمله به سکوهای نصر و سلمان در ۱۸ آوریل ۱۹۸۸ نیز به نتیجه مشابهی می رسد چرا که هرگونه مبادله نفت خام بین ایران و ایالات متحده در پی تحریم اقتصادی اعمال شده توسط دستورالعمل اتخاذ شده در ۲۹ اکتبر ۱۹۸۷ بوسیله مقامات آمریکایی قطع شده بود. با توجه به موارد ذکر شده دادگاه به این نتیجه رسید که ایالات متحده تعهدات خود در اصل X پاراگراف ۱ این عهدنامه نسبت به ایران را نقض نکرده است و درخواست ایران برای دریافت غرامت رد می شود. در رابطه با ادعای آمریکا دادگاه پس از رد اعتراضات ایران پیرامون صلاحیت و اعتبار آن بررسی می کند که آیا حوادثی که توسط آمریکا به ایران نسبت داده شده است، طبق اصل X پاراگراف ۱ عهدنامه ۱۹۵۵ نقض آزادی تجارت و دریانوردی بین طرفین می باشد یا نه. دادگاه به این نتیجه می رسد که هیچ یک از کشتی هایی که ایالات متحده ادعا می کند بوسیله حملات ایران نابود شده اند، مشغول به تجارت و یا دریانوردی نبوده اند. دادگاه همچنین ادعای کلی

آمریکا را مبنی بر اینکه اعمال ایران خلیج فارس را به منطقه ای ناامن برای کشتیرانی بدل کرده بود را نپذیرفت و نتیجه گرفت که بر طبق مدارک ارائه شده در آن زمان هیچ گونه اختلال عملی در کشتیرانی و تجارت بین محدوده های دو کشور ایالات متحده آمریکا و ایران نبود. در نتیجه دادگاه درخواست ایالات متحده را برای دریافت غرامت رد کرد.

باتوجه به شرحی که از حادثه گذشت ما در این مقاله سعی در بررسی حادثه از دیدگاه حقوق دریا می باشیم.

«میدان نفتی رسالت در فاصله ۸۵-۹۰ کیلومتری جزیره لاوان واقع می باشد و در ۱۰۸ کیلومتری جنوب غربی جزیره مذکور میدان نفتی رشادت قرار دارد، که صادرات نفت از هر دو میدان از طریق جزیره لاوان صورت میگیرد»^۸

اما میادین نفتی نصر و سلمان خارج از محدوده دریای سرزمینی جزیره سیری قرار دارند .

با توجه به موقعیت سکوهای ذکر شده میتوان گفت هر چهار سکو خارج از محدوده دریای سرزمینی و داخل در محدوده منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره میباشد اما باید دید که موقعیت دقیق سکوهای نفتی کدام منطقه می باشد.

منطقه انحصاری اقتصادی (EEZ) منطقه ای است، به عرض ۲۰۰ مایل دریایی از خط مبدا دریای سرزمینی ، که از ابداعات عهدنامه ۱۹۸۲ میباشد که دولت ساحلی در آن حقوق حاکمه اعمال خواهد کرد ، در منطقه انحصاری اقتصادی اصل بر عدم میباشد. کشورها در سه حالت میتوانند دارای منطقه انحصاری اقتصادی باشند «۱. با پیوستن به کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها ۲. با تصویب در مقررات داخلی خود مانند تصویب قانون

^۸ ویکی پدیا

مناطق دریایی ایران در سال ۱۳۷۲ ۳. با صدور اعلامیه رسمی یک جانبه از جانب دولتها مانند دولت ایالات متحده آمریکا»^۹

«در منطقه انحصاری اقتصادی دو نوع حقوق وجود دارد: ۱. حقوقی که منافع و منابع طبیعی دول ساحلی را در بر میگیرد. ۲. حقوقی که سایر دول غیر از دول ساحلی را شامل میشود.

حقوق دول ساحلی در منطقه شامل: ۱. منابع زنده ۲. منابع غیر زنده ۳. منابع اقتصادی ۴. ساخت جزایر

مصنوعی و تاسیسات نفتی ۵. کنترل آلودگی ۶. و حفظ اشیای تاریخی و باستانی

حقوق دول دیگر شامل: ۱. کشتی رانی ۲. پرواز ۳. تعبیه کابل زیر آبی و خطوط لوله»^{۱۰}

فلات قاره جزو مناطق ذاتی هر کشور ساحلی می باشد، دلیل این امر را میتوان در امتداد طبیعی بودن زمین ساحل در دریا دانست و تمام فعالیت های روی این منطقه تابع نظام دریای آزاد میباشد.

ماده ۷۶ عهد نامه ۱۹۸۲ فلات قاره را این گونه تعریف مینماید: «فلات قاره عبارت است از بستر و زیر بستر منطقه ای از دریا در ماورای دریای سرزمینی به عنوان امتداد طبیعی سرزمین دولت ساحلی تا لبه خارجی حاشیه قاره (شامل لبه قاره، سراشیب قاره، پیش قاره) یا از خط مبدا به فاصله ۲۰۰ مایل، در صورتی که لبه خارجی حاشیه قاره، فاصله اش از خط مبدا ۲۰۰ مایل کمتر باشد»

دول ساحلی در منطقه فلات قاره دارای حقوق ذاتی می باشند، که نیاز به هیچ اعلان یا شناسایی رسمی نمی باشد، و حقوق دولت در فلات قاره حقوق حاکمه می باشد، که شامل تنظیم مقررات در زمینه ی جلوگیری از الودگی دریا است، که اعمال مقررات نباید مانع اعمال حق کشورهای دیگر گردد، در این زمینه ماده ۷۸ عهد نامه ۱۹۸۲ حقوق دریا اظهار میدارد: «۱. حقوق کشور ساحلی در فلات قاره به وضعیت حقوقی آنها و فضای بالای فلات قاره تاثیر نمی گذارد ۲. اعمال حقوق کشور ساحلی بر فلات قاره نباید حق دریا نوردی و سایر حقوق

^۹ بیگ زاده ابراهیم، جزوه حقوق بین الملل دریاها ص ۱۲، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹،
^{۱۰} نیک نام احمد، موقعیت ناوهای جنگی در مناطق دریایی، فصل نامه داد رسی شماره ۳۷، سال هشتم فروردین و اسفند ۱۳۸۲.

و آزادی سایر کشورها به نحو مقرر در این کنوانسیون را نقض نمایند و یا به هر گونه تداخل غیر موجه در آنها منجر شود»

با توجه به موارد ذکر شده و اینکه فلات قاره جزء حقوق ذاتی کشورها میباشد، اما منطقه انحصاری اقتصادی جزء حقوق اکتسابی میباشد، که نیاز به اعلان رسمی یا تصویب در قوانین میباشد، در حالی که قانون مناطق دریایی ایران مصوب ۳۱ فروردین ۱۳۷۲ می باشد ولی زمان تقدیم دادخواست ایران به دیوان به سال ۱۳۷۱ برمیگردد. همچنین در دعوی متقابل ایالات متحده قائل به این مسئله میباشد، که حمله مذکور در فلات قاره روی داده است، می توان موقعیت دریایی میدین نفتی چهار گانه را در فلات قاره ایران تشخیص داد. اما در این مقاله ما حمله به سکو های نفتی را از دیدگاه هر دو منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره بررسی خواهیم کرد.

حمله به سکوهای نفتی از دیدگاه حقوق دریاها:

الف: حق ذاتی ایران برای داشتن تاسیسات نفتی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره :

از جمله حقوق ذاتی هر دولت در منطقه انحصاری اقتصادی استفاده از منابع طبیعی موجود در آبهای منطقه میباشد که در بند ۱ ماده ۵۶ عهد نامه ۸۲ به ان اشاره شده است «برای اکتشاف و استخراج، حفاظت و مدیریت منابع طبیعی زنده و غیر زنده و آبهای بالای بستر، روی بستر و زیر بستر دریا و مورد سایر فعالیت های مربوط به اکتشاف و استخراج اقتصادی منطقه از قبیل تولید نیرو از آب، امواج و بادهای حاکمیت دارد.» در قسمت دوم همین ماده حق ساخت و استفاده از تاسیسات دریایی این منطقه را اعلام میدارد، البته با رعایت حقوق سایر کشورها (به نحو مذکور در مقررات این کنوانسیون در ارتباط با موارد زیر صلاحیت دارد ۱: ساخت و استفاده از جزایر مصنوعی، تاسیسات و یناها ۲: تحقیقات علمی دریایی ۳: حفاظت محیط زیست دریایی....) این مسئله در دعوی متقابل امریکا بدان استناد شده است، ولی دولت امریکا اذعان داشت که دولت ایران حقوق این کشور را با

حمله به نفت کش هایی که با پرچم امریکا اقدام به تجارت دریایی می کردند، زیر پا گذاشته است حمله ای که هیچ گاه توسط دولت ایران تایید نگردید و همواره آن را منتسب به دولت عراق می دانست.

«دولت ساحلی جهت بهره برداری از منابع فلات قاره میتواند تاسیساتی بسازد»^{۱۱} البته قابل ذکر می باشد که تمام فعالیت های روی این منطقه تابع نظام دریای آزاد می باشد مانند کشتی رانی، پرواز ... ولی با رعایت مقررات دولت ساحلی امکان پذیر است. ماده ۷۷ عهد نامه ۸۲ دریاها حقوق کشور ساحلی را در فلات قاره اینگونه بیان میدارد: «کشور ساحلی برای اکتشاف و بهره برداری از منابع طبیعی فلات قاره حق حاکمیت دارد» که این حق، انحصاری دولت ساحلی می باشد و هیچ دولتی بدون اجازه دولت ساحلی حق برداشت را نخواهد داشت.

ماده ۶۰ عهد نامه ۸۲ که نسبت به منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره مشترک می باشد، حق احداث و استفاده از جزایر مصنوعی و تاسیسات دریایی مانند سکوه های نفتی برای دولتهای ساحلی به رسمیت شناخته است.

ب: امنیت تاسیسات دولت ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی و در فلات قاره :

دولتهای ساحلی در منطقه انحصاری خود دارای حق انحصاری احداث و استفاده بناهای دریایی همچون جزایر مصنوعی و تاسیسات نفتی می باشند ریال و همچنین در این راستا می توانند به وضع قوانین مالی ، گمرکی، مهاجرتی بپردازند ، ماده ۶۰ بند ۱ «در منطقه انحصاری اقتصادی، کشور ساحلی حق انحصاری خواهد داشت ، که موارد زیر را احداث نماید ساخت ، اجرا و استفاده از آنها را اجازه و تنظیم نماید : الف؛ جزایر مصنوعی ب؛ تاسیسات و بناهای مربوط به اهداف مقرر در ماده ۵۶ و سایر اهداف اقتصادی ج؛ تاسیسات و بناهایی که ممکن است با اعمال حقوق ساحلی در منطقه تداخل نماید»

^{۱۱}. موقعیت ناوهای جنگی در مناطق دریایی ، همان

پس دولت ایران در منطقه انحصاری اقتصادی حق وضع قوانین گمرکی برای حقوق نفت کش ها و سایر کشتی های کشورها را دارا میباشد ، که کشورهای دیگر نیز ملزم به رعایت آن می باشند پس دولت ایران در پی اقدام دولت عراق مبنی بر محاصره دریایی ایران و همچنین جهت جلوگیری از قاچاق اسلحه به کشور مذکور ، وزیر امور خارجه وقت با فرستادن نامه ای به دبیر کل وقت سازمان ملل متحد خواهان بازرسی از کشتی های خارجی شد که در حال عبور از خلیج فارس میباشند، که مورد موافقت قرار گرفت. این مسئله مطابق ماده ۶۱ اعلامیه لندن قابل قبول می باشد که بیان میکند «تنها کشتی هایی که به صورت کاروان توسط کشتی جنگی کشورشان اسکورت میشوند از بازرسی معاف هستند، مع هذا این استثنا در صورتی که اثبات شود اسکورت توام با حسن نیت نبوده بلکه به منظور اعطای مصونیت به کشتی حامل قاچاق صورت گرفته است میتواند مورد اعتراض واقع گردد.» «این مطلب در مورد تغییر پرچم، صرفا به منظور برخورداری از حمایت کشتی های جنگی مصداق دارد»^{۱۲} همانند بخشی از ناوگان نفتی کویت که تحت پرچم ایالت متحده امریکا اقدام به کشتی رانی میکردند، پس بنابر این ماده و با توجه به اعلان رسمی دولت ایران دولت مجاز به بازرسی از کشتی های خارجی که در هر حال عبور از فلات قاره می باشند و دولت های دیگر حق اعتراض را نخواهند داشت.

عهد نامه ۸۲ دریا در ماده ۶۰ مشترک بین منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره به کشور ساحلی این حق را داده است که میتواند برای تاسیسات دریایی خود مانند جزایر مصنوعی، سکوهای نفتی منطقه ای ایمن به شعاع ۵۰۰ متر ایجاد کند. «درموارد ضروری کشور ساحلی می تواند در اطراف جزایر مصنوعی، تاسیسات و بناها مناطق ایمنی متعارف ایجاد نماید و در آنها برای تضمین ایمنی دریانوردی و ایمنی جزایر مصنوعی، تاسیسات و بناها اقدامات مقتضی به عمل آورد» که البته این مناطق با اجازه نهادهای صلاحیتدار قابل افزایش می باشند...» وسعت این مناطق از فاصله ۵۰۰ متری اطراف آن از هر نقطه گوشه بیرونی آنها اندازه گرفته می شود تجاوز نخواهد کرد مگر این که استاندارد های بین المللی مورد پذیرش عمومی آن را اجازه دهند یا سازمان بین المللی صلاحیت دار توصیه نمایند» و عهدنامه مذکور همه کشورها را ملزم به رعایت و احترام به منطقه ایمنی می کند، «همه

^{۱۲} . حقوق جنگ دریایی و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ ایران و عراق، ممتاز جمشید مترجم حسین شریف طراز کوهی

کشورها باید به این مناطق ایمنی احترام گذارده و استانداردهای بین المللی مورد پذیرش عمومی درارتباط با دریانوردی در نزدیکی جزایر مصنوعی، تاسیسات، بناها و مناطق ایمنی را رعایت کنند»

اما در قضیه حمله به سکوهای نفتی دیدیم که دو بار مناطق ایمنی سکوهای نفتی ایران توسط ناوگان دریایی و هوایی ایالت متحده شکسته شد که خود این مسئله سبب ایجاد مسئولیت دولت امریکا، می باشد اما به دلیل اینکه دولت ایران به عضویت کنوانسیون نیپوسته است نتوانست به آن استناد کند .

از مواردی که دولت آمریکا در دعوی متقابل بدان استناد کرده بود ، مین گذاری در خلیج فارس بود که با وجود انتساب کشتی مین گذار به ایران باز هم دیوان به این ادعا توجهی نکرد ، اما با وجود این «در زمان جنگ به گونه های مختلف از فلات قاره استفاده نمود ا ز جمله آن استقرار مین ثابت یا سلاح های خاص ضد دریایی است، و یا استفاده از سیستم های مراقبتی از طریق انعکاس صدا و یا شنوهای زیر دریایی برای تعقیب خط سیر کشتی ها و زیر دریاییها؛ برابر ماده ۸ موافقت نامه ۱۹۰۷: استفاده از مین های دریایی ثابت مجاز است با این تضمین در صورت پاره شدن طناب اتصال خطرناک نباشد لیکن استفاده از مین های شناور ممنوع است»^{۱۳} در نهایت بابررسی حقوق دولت ساحلی و دولتهای دیگر در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره ملاحظه می شود «کشتی های جنگی دارای آزادی کشتی رانی در آبهای مزبور میباشند و از سوی هواپیمای مستقر از روی ناوهای هواپیما بر مجاز به پرواز و فرود می باشند بنابراین آزادی مطلق ناوهای جنگی که در آبهای آزاد متصور می باشد در آبهای انحصاری اقتصادی و فلات قاره قابل اعمال نمیباشد»^{۱۴}

^{۱۳} نیک نام احمد، جنگ دریایی، فصل نامه دادرسی، شماره ۶۶ سال یازدهم، بهمن و اسفند ۱۳۸۶، صص

^{۱۴} موقعیت ناوهای جنگی در مناطق دریایی ایران، همان

در همین راستا فصل سه قانون مناطق دریایی ایران در مواد ۱۴-۲۱ که به منطقه انحصاری اقتصادی اختصاص داده است: «انجام فعالیت ها ، تمرینات نظامی بیگانه، جمع آوری اطلاعات و هر گونه عملی که با منافع و حقوق جمهوری اسلامی ایران در منطقه انحصاری اقتصادی منافات داشته باشد.»^{۱۵} را ممنوع دانسته است.

بررسی های به عمل آمده نشان میدهد که دولت آمریکا عملاً باشکستن حریم دریایی سکوهای نفتی و حمله به آنها در واقع منطقه ایمنی و قوانین بین المللی را زیر پا گذاشته است.

حمله به سکوهای نفتی:

دولت ایالات متحده آمریکا در ۱۹۸۷-۸۸ دو بار به سکوهای نفتی ایران حمله کرده است، که این حملات با وجود اینکه در منطقه فلات قاره روی داده و از لحاظ کشتی رانی و هوانوردی تابع قواعد دریایی آزاد می باشد ، اما ماده ۸۸ عهدنامه ۸۲ دریاها اعلام میدارد که باید از دریای آزاد استفاده صلح آمیز به عمل آید. «دریاهای آزاد برای اهداف صلح جویانه حفظ خواهند شد.» در حالی که ما میبینیم عملاً دولت آمریکا از دریای آزاد استفاده خصمانه علیه دولت دیگر به عمل می آورد ، این عمل دولت مذکور در واقع خلاف عهد نامه مودت فی ما بین دو دولت نیز می باشد. چون برابر عهد نامه مودت ۱۹۵۵ دو دولت بر روابط دوستانه و صلح آمیز تاکید می کنند ، « بین ایران و دول متحده آمریکا صلح استوار و پایدار و دوستی صمیمانه برقرار خواهد بود. » در حالی که میدانیم جنگ بارزترین نمود روابط خصمانه میباشد ، همچنین میتوانیم بگوییم حمله و حضور ناوگان ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس در واقع مغایر با نص قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت به ویژه پاراگراف ۵ آن میباشد.

«از تمامی کشورها می‌خواهد که حداکثر خویشتن داری را مبذول دارند و از هر گونه اقدامی که ممکن است به تشدید و گسترش بیشتر درگیری‌ها منجر شود احتراز نمایند»^{۱۶}

نفت به عنوان عنصر حیاتی کشورهای جهان سوم و یکی از ارکان اقتصاد آنها می‌باشد دولت ایران هم که همواره در طول تاریخ اقتصاد مبتنی بر نفت را دارا بوده است، طبعاً حمله به سکوهای نفتی این دولت که غیر نظامی و بی دفاع نیز بوده است در واقع باعث ضربه زدن به اقتصاد و تجارت آزاد دولت ایران گردیده است، این مسئله در حالی بیان می‌گردد که در عهدنامه مودت بر حفظ آزادی تجارت و دریانوردی تأکید فراوان گردیده است ماده ۱۰ عهد نامه مسئله را اینگونه بیان می‌دارد. «بین طرفین معظمین متعاهدین آزادی تجارت و دریانوردی برقرار خواهد بود.»

ولی ما می‌بینیم که با حمله ناوگان هوایی و دریایی ایالات متحده آمریکا علناً شریان حیاتی تجارت جمهوری اسلامی ایران قطع گردید، که در واقع مخالف صریح عهدنامه مودت می‌باشد.

ادله دولت آمریکا برای حمله به سکوهای نفتی که در دعوی متقابل مطرح گردید به شرح زیر می‌باشد:

۱. حمله به کشتی‌های بی طرف

۲. مین گذاری در خلیج فارس که باعث اختلال در دریانوردی و آزادی تجارت گردیده است.

این ادعاها در حالی مطرح می‌گردد که با وجود «حملات مکرر دولت عراق به کشتی رانی بین‌المللی و شدت یافتن این حملات ایران هیچ گاه به عنوان مقابله به مثل به کشتی رانی بین‌المللی حمله نکرد و آنچه حملات آخر جنگ به کشتی‌های آمریکا یا با پرچم آمریکا روی داد، به ایران نسبت داده شد هیچ گاه توسط دولت

^{۱۶}. ممتاز حمشید حقوق جنگ دریایی، و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ عراق و ایران، همان

ایران مورد تایید واقع نشد ، این امر نشانگر این مطلب میباشد که دولت ایران حمله به کشتی رانی بین المللی را هیچ گاه مجاز تلقی نکرده است.^{۱۷}

نکته دیگر این می باشد که «دولت ایران تنها به کشتی های تحت پرچم کشورهای حوزه خلیج فارس که در واقع به نفع دولت عراق به طور غیر مستقیم وارد جنگ شده بودند مقابله به مثل کرد، کشتی های تحت پرچم عربستان و کویت نمونه این کشورها بودند. که شورای امنیت در قطعنامه ۵۵۲ (اول ژوئن ۱۹۸۳) صرفاً حمله به کشتی های حامل پرچم دولتهای غیر ساحلی خلیج فارس را محکوم کرد، چنین محرز میشود که بپذیریم دولت ایران در توسل به زور علیه کشتی های تحت پرچم کویت و عربستان به منظور واداشتن آنها برای انجام تعهداتشان محق بوده است.»^{۱۸}

درحالی که عهد نامه ۸۲ دریاها به کشورهای ساحلی این حق را داده است که در صورت تخلف از قوانین دریایی کشور ساحلی بر طبق بند ۴ ماده ۷۳ این عهد نامه میتواند نسبت به کشتی های خارجی صلاحیت اجرایی و توقیفی اعمال نماید» در صورت توقیف کشتی های خارجی کشور ساحلی فوراً به طرق مناسب کشور صاحب پرچم کشتی را از اعمال به عمل آمده و مجازات تحمیلی بعدی آن مطلع خواهد کرد. «اقدام ایالت متحده با حمله به اهداف غیر نظامی که عاری از هر گونه حمله مسلحانه بوده است، چنین اقدامی را میتوان به عنوان نقض بارز اصل عدم استفاده از زور در روابط بین المللی در نظر گرفته شود...»^{۱۹} پس در واقع ما میتوانیم حمله آمریکا را اقدام علیه جمعیت غیر نظامی در نظر گرفت که بند ۴ ماده ۵۱ پروتکل اول ژنو ۱۹۷۷ «دست زدن به حملات بدون رعایت اصل تفکیک بین جمعیت نظامی و غیر نظامی را ممنوع کرده است.»

^{۱۷} شافع میر شهبیز، عملکرد جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ ایران و عراق، با توجه به پروتکل اول ژنو ، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی برگرفته از پورتال جامع علوم انسانی.

^{۱۸} حقوق جنگ دریایی و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ عراق و ایران، همان

^{۱۹} همان

بند دو ماده ۵۱ به تعریف اهداف نظامی می پردازد؛ «اهداف نظامی را اهدافی میداند که بر اساس طبیعت محل استقرار هدف یا نحوه استفاده سهم موثر در عملیات نظامی دارند و تخریب کامل یا جزیی به غنیمت گرفتن یا بی طرفی کردن آنها در شرایط حاکم بر زمان موجب کسب یک مزیت قاطع نظامی گردد.» که در واقع با توجه به تعریف فوق هیچ کدام از سکوهای مورد نظر را نم توان یک هدف نظامی دانست چون میادین نفتی رسالت و رشادت صرفا مورد استفاده اقتصادی بودند و سکوهای نفتی نصر و سلمان که در واقع که در حال باز سازی صدمات حملات قبلی دولت عراق بودند، در واقع حمله ناوگان هوایی و دریایی امریکا به سکوهای نفتی نقض فاحش پروتکل اول زنو ۱۹۷۷ می باشد ، همچنین لازم به ذکر است با توجه به ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی ؛ «حمله عمدی به اهداف غیر نظامی و دست زدن به حمله با علم به اینکه منجر به مرگ یا صدمه به غیر نظامیان می شود و این حمله در مقایسه با مزیت نظامی قطعی پیش بینی شده بیشتر می باشد ... جنایات جنگی طلقی کرده و رسیدگی به این جرایم را داخل در صلاحیت خود می داند.»

دولت آمریکا در قضیه سکوهای نفتی در واقع اقدام به نوعی اعمال صلاحیت در برابر اعمال منتسب به ایران می نماید ؛ اما مسئله اصلی این است که ؛ اولاً اعمال صلاحیت دولتها در دریای آزاد توسط عهد نامه ۸۲ محدود به مواردی همچون دزدی دریایی قاچاق دریایی و ارسال سیگنال های غیر مجاز و.... گردیده است ، ثانيا دولتها در دریای آزاد به غیر از قاچاق و ارسال سیگنال که صلاحیت اجرایی دارن در باقی موارد فقط صلاحیت توقیف دارند، اما در عمل می بینیم که دولت آمریکا در حمله به سکوهای نفتی مستقیما به صلاحیت اجرایی دست میزنند، که این عمل اقدامی تلافی جویانه می باشد و بر اساس بخش ۷ (مواد ۲۲۳-۲۳۳) کنوانسیون دریاها ۸۲ محکوم می باشد.

ماده ۱۱۳ کنوانسیون دریاها دولتها را در قبال صدمات وارده به خطوط لوله و کابل دریایی مسئول می داند و انها را به تصویب قوانینی در باب جبران خسارت ملزم مینماید؛ در واقع با توجه به ماده مذکور میتوان گفت دولت آمریکا به طور اولی مکلف به جبران خسارت می باشد، چون در تجارت آزاد و اقتصاد نفتی دولت ایران اخلا

ایجاد کرده است که بیانگر نقض ماده ۱۰ عهد نامه مودت می باشد و هم در ایفای تعهدات خود در قبال عهد نامه که همان برقراری روابط صلح آمیز دوستانه می باشد و ماده ۲۰ عهد نامه که دو دولت را مکلف میداند که «اقدامات لازم را در جهت ایفای تعهدات یک طرف معظم متعاقد برای حفظ صلح و امنیت بین المللی یا جهت حفظ منافع اساسی طرف مزبور از لحاظ امنیت ...»

که در واقع عملاً دیده شده است ایالات متحده با حملات خود صلح و امنیت و منافع دولت ایران را متزلزل گردانیده است.

نتیجه گیری:

باتوجه به بررسی های به عمل آمده از عهدنامه ها و کنوانسیون های متعدد در زمینه حقوق جنگ، دریا، مودت فیما بین دولتین و شرحی کاملی که از حادثه گذشت و اسناد ارائه شده، توسط طرفین و نقض مواد مختلفی از جمله ماده ۵۲ پروتکل اول ژنو ۱۹۷۷ که در زمینه عدم حمله به اهداف غیر نظامی در جنگ می باشد، و قطعنامه ۵۵۲ شورای امنیت که به طور ضمنی مبنی بر تبرئه ایران از حمله به کشتیرانی بین المللی می باشد، و با توجه به رد ضمنی بعضی از ادعاهای دولت آمریکا همچون مین گذاری دولت ایران در خلیج فارس توسط دیوان بین المللی دادگستری، می توان مسئولیت بین المللی دولت ایالات متحده آمریکا را اثبات شده دانست.

منابع:

۱. اردشیر امیر ارجمند؛ رای صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری در قضیه حمله نیروهای آمریکایی به سکوهای نفتی ایران در خلیج فارس مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۹-۲۰
۲. اساسنامه رم (دیوان کیفری بین المللی)
۳. اعلامیه لندن در زمینه جنگ دریایی
۴. آندره گاتری و ناتالینو رونزیتی؛ جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) و حقوق جنگ دریایی؛ ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری، سعید تائب و احمد سالاری؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۴.
۵. بیگ زاده ابراهیم، جزوه حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹
۶. پروتکل اول الحاقی عهدنامه های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۷۷ برگرفته از مرکز پژوهشهای مجلس
۷. جمهوری اسلامی، ۶۶/۷/۲۹، به نقل از محمد درودیان. سیری در جنگ ایران و عراق - ۴ شلمچه تا حلبچه، تهران؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ گزارش های ویژه، نشریه شماره ۲۱۶، ۶۶/۷/۳۰، خبرگزاری
۹. شافع میر شهبیز، عملکرد جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ ایران و عراق با توجه به پروتکل اول ژنو، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۱۰. عهدنامه چهار گانه ژنو برگرفته از مرکز پژوهشهای مجلس
۱۱. عهدنامه مودت فیما بین دولتین ایران و ایالات متحده آمریکا ۱۹۵۵، برگرفته از مرکز پژوهشهای مجلس
۱۲. قانون مناطق دریایی ایران مصوب فروردین ۱۳۷۲ برگرفته از مرکز پژوهشهای مجلس
۱۳. کنوانسیون حقوق دریاها، (مصوب ۱۹۸۲) ترجمه: محمد پور نوری و محمد حبیبی، مرکز ملی اقیانوس شناسی، مهر حقوق، ۱۳۸۵
۱۴. ممتاز جمشید، حقوق جنگ دریایی و عملکرد جمهوری اسلامی در طول جنگ ایران و عراق، ترجمه: حسین شریف طراز کوهی، پورتال جامع علوم انسانی
۱۵. موافقت نامه صلح لاهه ۱۹۰۷
۱۶. نیکنام احمد، جنگ دریایی، فصلنامه دادرسی، شماره ۶۶، سال یازدهم، بهمن و اسفند ۱۳۸۶
۱۷. نیکنام احمد، موقعیت حقوقی ناوهای جنگی در مناطق دریایی، فصلنامه دادرسی شماره ۳۷، سال هفتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲